

مسجد اسپه مزگت، دیناچال، گیلان

ولی جهانی

کارشناس باستان‌شناسی میراث فرهنگی گیلان

مقدمه

موقعیت طبیعی و جغرافیایی منطقه دیناچال
قریه اسپه مزگت دیناچال، در طول ۴۹ درجه و ۵ دقیقه و
عرض ۳۷ درجه و ۳۴ دقیقه، و در ۲۳ کیلومتری شهرستان تالش و
۷ کیلومتری شهر پره سر قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا، ۲۶ متر

لشکر اسلام در ۶۳۷ م با پیروزی در جنگ قادسیه، وارد
ایران شد. از آن زمان، گیلان مأمن و پناهگاه اعراب و ایرانیان،
بویژه علویان ستم‌دیده شد. شمار قابل توجهی از بقاع گیلان،
آرامگاه آنان است که از همان عصر تا دوره‌های بعد، در گیلان
سکنی گزیدند و روی در نقاب خاک کشیدند. در سده‌های اول و
دوم بعد از اسلام، خبری از مساجد اولیه صدر اسلام در این
مناطق نیست. اما با نفوذ اسلام به سرزمین گیلان، مسجد به
عنوان مرکز فعالیتهای عبادی - سیاسی، مورد توجه مردم این خطه
قرار گرفت و در اجتماعات شهری و روستایی آن با استفاده از
مصالح محلی - و بیشتر از چوب و سفال، مساجد ساخته شد
که امروزه تعداد بسیار اندکی از آنها توانسته‌اند در برابر آب و
هوای مرطوب و شرایط اقلیمی نامساعد دوام بیاورند.

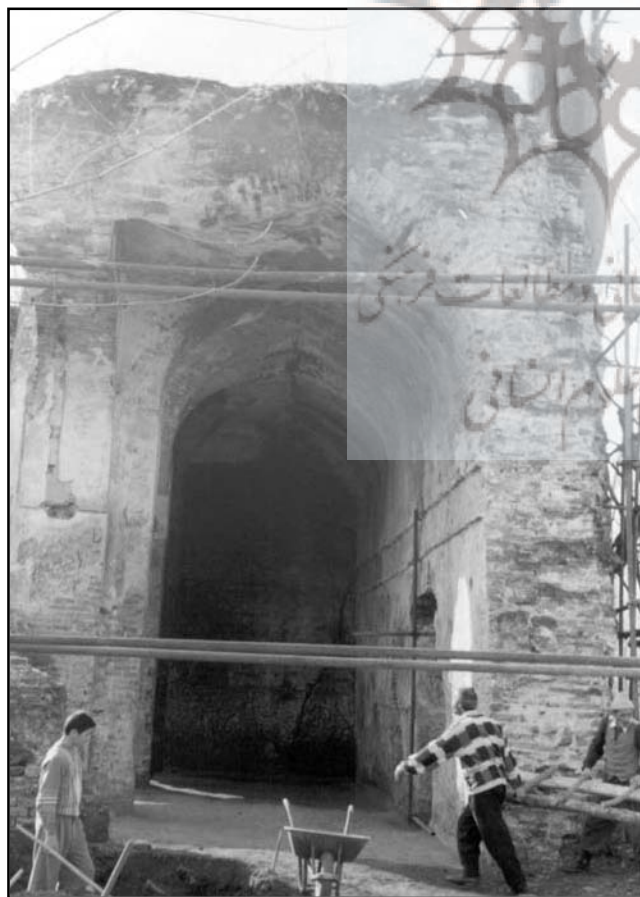


است، که معمولاً به صورت باران ظاهر می‌شود. طبق گزارش سازمان هواشناسی، این منطقه در بیشتر روزها، رطوبت بالای ۹۵ درصد دارد.

بنای تاریخی اسپیه مزگت

این بنا در یک و نیم کیلومتری سمت شرقی جاده رشت - آستارا، و در سمت چپ رودخانه دیناچال قرار دارد. بنای اسپیه مزگت، به معنای «مسجد سفید» است. گروهی این مسجد را «مسجد عبداللہی»، و گروه دیگر «آق مسجد» می‌نامند. احتمال دارد، فردی به نام عبدالله آن را مرمت کرده باشد. بانی این بنا مشخص نیست. تا قرن دهم، قسمت شمالی کشور به صورت خودمختار به وسیله حکام محلی یا خانان اداره می‌شد. آنان نیز هیچگاه به فکر آبادکردن حوزه حکومت خود نبودند. اگر هم یکی از آنان می‌خواست که چنین کاری بکند، نبود درآمد مالی کافی به او اجازه ساختن چنین بنای عظیمی نمی‌داد. وضع بنا و کتیبه کوفی ساده آن، دلیل روشنی بر قدرت بناست، اما نشانی از بانی و قدمت بنا به ما نمی‌دهد. با توجه به وجود کتیبه‌های سفالینه‌های به دست آمده، قدمت این بنا احتمالاً به قرن سوم و چهارم باز می‌گردد.

تاریخ احداث آن به صورت روشن، پس از تکمیل بررسیها و گمانه‌های آزمایشی باستان‌شناسی و آزمایشهای سالیانی مشخص خواهد شد. وضع کنونی مسجد نشان می‌دهد که این مسجد، زمانی یکی از مساجد بزرگ و قابل توجه این منطقه بود. با توجه



است. وضع طبیعی اسپیه مزگت دیناچال طوری است که در دشت قرار دارد، و رودخانه دیناچال از کنار آن می‌گذرد. این رودخانه از ارتفاعات سرچشمه گرفته است. وجود چشمه سارهایی در مسیر رودخانه، آب آن را به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش می‌دهد. رودخانه کیش خاله در جنوب غربی اسپیه مزگت، به طرف شمال روستای کیش خاله بالا جریان دارد. این رودخانه در قسمت کیش خاله پایین به رودخانه دیناچال وصل می‌شود، و با هم وارد دریا می‌شوند. در نتیجه مطالعه و بررسیهای اخیر، چنین به نظر می‌رسد که آبادی قدیم این منطقه، در روستای کیش خاله قرار داشت، و منطقه اسپیه مزگت مزارع کشاورزی آن زمان را تشکیل می‌داد. وضعیت طبیعی این منطقه نشان می‌دهد که پیش از هزاره اول قبل از میلاد، محل مزبور به علت جنگلهای انبوه و پیشروی دریای خزر که تمام سطح این منطقه را پوشانده بود، قابل سکونت نبود. آثاری که دال بر وجود تمدنهای هزاره اول باشد، تاکنون به دست نیامده است.

به طور کلی، باید دانست که منطقه گیلان از دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای تشکیل شده است. قسمت جلگه‌ای آن تا هزاره اول قبل از میلاد، قابل سکونت نبود. به طوری که از گفته استرابون بر می‌آید، وضع جغرافیایی و طبیعی سواحل دریای خزر و دامنه کوههای گیلان در زمان مهاجرت اقوام مختلف تا اوایل هزاره اول قبل از میلاد، برای سکونت مساعد نبود و مردابهای فراوانی سطح آن را فرا گرفته بود. بدین لحاظ، به واسطه وجود رودها، پیشرفتگی منطقه گیلان در دریا؛ یعنی سواحل جنوب غربی، بیش از دیگر نقاط از قبیل: مازندران و گرگان است. ولی این جلگه تا دوران تاریخی، جلب نظر اقوام مهاجر را نکرد، و آثاری در دوران قبل از اسلام در این ناحیه دیده نمی‌شود. بدین سبب، برای بررسی تمدنهای قدیم این ناحیه، باید ارتفاعات و نقاط کوهستانی منطقه گیلان را از غرب تا جنوب غربی دریای خزر، جستجو کرد امروزه، اسپیه مزگت به دلیل مجاورت با دریای خزر همانند اکثر مناطق استان گیلان، دارای آب و هوای معتدل و مرطوب خزری است. می‌توان گفت که وجود چنین آب و هوایی، به دلیل تأثیرات کوه و دریا در منطقه است. به طور متوسط، حداقل درجه حرارت روزانه سردترین ماههای سال ۲ درجه، و برای گرمترین ماههای سال به طور متوسط ۳۵ درجه سانتیگراد است. تقریباً، نزولات جوی در پاییز و زمستان روی می‌دهد. میزان متوسط بارندگی سالانه در حدود ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ میلیمتر



به آب و هوای گیلان، می‌توان گفت که این مسجد از بناهای مقاوم و مستحکمی بوده که تاکنون باقی مانده است. این مسجد که با اندود آهک نما سازی شده، به علت رنگ سفید یکپارچه اش، به سفید مسجد و به زبان تالشی، به اسپیه مزگت معروف است، در محل، آن را مسجد عبداللہی می‌گویند. دکتر منوچهر ستوده، نویسنده کتاب آستارا تا استراباد، این بنا را یکی از عجایب هفتگانه این خطه نامیده است.

مصالح به کار رفته شده در ساخت بنا

مصالح به کار رفته در پی مسجد، از قلوه سنگهای رودخانه‌ای، و ملات آن گل است. دیوارها، ستونها و سقف مسجد، از آجرهای قرمز رنگ به ابعاد ۶ در ۲۳ در ۲۳ سانتیمتر، و ملات آن از ماسه آهک ساخته شده است. بام بنا به صورت شیبدار و مانند ساختمانهای گیلان، شیروانی شکل می‌باشد، که از سفالهای پهن به ابعاد ۴۰ در ۶۰ سانتیمتر و «L» شکل استفاده شده است. برای نصب این سفالها، ملات آهک به کار برده شده است. همه داخل این بنا، با اندود گچ همراه با تزئینات زیبای گیاهی، تزیین گردیده است.

وجود کاوشهای باستان‌شناسی که در طی دو فصل در این بنا و محوطه انجام شد، تاکنون هیچ‌گونه اطلاعات در زمینه محراب به دست نیامده است. سقف بنا کاملاً سفال پوش است، که به سمت شرق و غرب شیب دارد. برای ایجاد شیب، از کوره‌پوش در جهت شمالی و جنوبی استفاده کرده‌اند. لچکی دورهای حیاط مرکزی، با گچبری زیبایی کار شده است. معماری این بنا، شباهت به معماری گیلان ندارد، اما با معماری گیلان به شکل زیبایی تلفیق شده است.

تزئینات

همه نماهای بیرون و درون مسجد، با ملات آهک سفید شده بود. اکثر رواقها به ارتفاع یک متر، دارای تزئینات زیبای گیاهی است. بر روی همه دیوارها، کتیبه‌ای کوفی وجود داشت که هم اکنون، فقط قسمتی از آن در رواق شمالی و بالای در، قابل خواندن است: «ولم یخس إلا الله فعیس اولئک ان یکنوا من المہتدین»؛ که قسمتی از آیه ۱۸ سوره توبه است. کتیبه دیگری نیز در بالای تاقها وجود دارد، که قابل خواندن نیست. در لچکی تاقها و همچنین در پای ستونهای ضلع جنوبی از سمت حیاط، تزئینات گیاهی وجود دارد.

عوامل تخریب مسجد

عوامل: گیاهی، طبیعی و انسانی، مهمترین عوامل تخریب مسجد به شمار می‌روند.

بارندگیهای فراوان، هوای بسیار مرطوب و درختان جنگلی متنوع، آفتبای بزرگ بناهای تاریخی ناحیه گیلان است. خشت در مناطق خشک ایران، همچون حاشیه کویر، صدها سال دوام می‌آورد. اما آجر و سنگ در صفحات گیلان، عمر زیادی ندارند. در اینجا نباید در پی بناهای پانصد و ششصد ساله بود، زیرا کمتر بنایی - هر چند محکم ساخته شده باشد - می‌تواند در مقابل عوارض جوی و وضع اقلیمی گیلان پایدار و استوار بماند. در این سرزمین، بناهای چندین ساله را باید قدیم دانست. باران و رطوبت دائمی، مصالح بنا را نرم می‌کند و می‌پوشانند. آنچه نرم و پوسیده شد، فرو می‌ریزد و بنا به تلی تبدیل می‌شود. مدتی نمی‌گذرد که درختان جنگلی و بوته‌های پر خار، روی این تل را می‌گیرند و جز برآمدگی مختصری بر جا نمی‌ماند.



۱. عوامل گیاهی

عجیب تر اینکه، بر بام بناهایی که بر پابند، درختان مختلف جنگلی، بویژه درخت انجیر می‌روید. بدین ترتیب، ریشه‌های قطور و توانای آنها در میان ملات فرسوده نفوذ می‌نماید، و آجر و سنگ را از ملات جدا می‌کند. شرایط اقلیمی و رطوبت بسیار زیاد، عامل اصلی در تخریب بناست. گیاهان سبز شده بر سقف دیوارهای ضلع شمالی، جنوبی، شرقی و غربی بنا، و همچنین عوامل گیاهی و اشجار قطور که سراسر بنا را در خود فرو برده، در فرسایش عناصر معماری و ریزش سقف و ستونهای مسجد اثر زیادی داشته است. بر اساس گزارش هیئت کاوشهای باستان‌شناسی اداره کل میراث گیلان، ۱۵ اصله درخت به اندازه‌های مختلف، در کنار بنا و در اطراف دیوارها قطع شد. یکی از درختهای قطع شده، ۳۵ متر طول، ۸۴ سانتیمتر قطر و ۲۰۰ سال عمر داشت، که در ضلع شمالی مسجد، باعث تخریب دیوار ضلع شمالی و قسمتی از سقف مسجد شده بود.



گورستان کیش خاله

تخریب شود. چه بسا، در زیر خروارها خاک جابه جا شده، ساختمانها، پلها، آسیابها، چاهها، و آثار قدیم دیگر وجود داشت. کار به جایی رسید که به گورستانهای اسلامی این منطقه و حتی به گورستان مربوط به صدر اسلام استان گیلان، رحم نشد. این کار نه در یک مرحله، بلکه در دو مرحله انجام شد.

با وجود بررسیها و کاوشهای باستان‌شناسی انجام شده در این منطقه، هنوز برای بسیاری از سئوالات جوابی به دست نیامده است. آیا بنایی به این عظمت و با آن ظرفتهای معماری، در مرکز یک کانون شهری - آن چنانکه در گذشته و امروزه رایج است - قرار داشت؟ و اگر داشت، پس آن شهر و بقایای آن، چه شده‌اند؟

منابع:

۱. توفیقیان، حسین، «نگاه اجمالی به مساجد تاریخی گیلان»، مجله فرهنگی گیلان شماره ۷ و ۸ پاییز و زمستان ۷۹
۲. جهانی، ولی، گزارش عملکرد سال ۷۹ میراث فرهنگی گیلان
۳. حاکمی، علی، کاوش در منطقه رستم آباد رودبار، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور
۴. خالقی، گزارش تحقیقی از اسپه مزگت دینچال، مرکز اسناد اداره کل میراث گیلان
۵. راهنمایی، محمد تقی، «بنای تاریخی اسپه مزگت و ویژگیهای ناشناخته آن»، شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی گیلان
۶. ستوده، منوچهر، آستارا تا استراباد



قسمتی از کتیبه کوفی اسپه مزگت، دینچال

۲. عوامل طبیعی

تخریبهای ناشی از رطوبت، نزولات جوی، تغییرات دما، یخزدگی رودخانه و زلزله، از مهمترین عوامل طبیعی تخریب این مسجد به شمار می‌روند.

در سالهای گذشته، رودخانه سیلابی دینچال از ضلع جنوبی این بنا می‌گذشت، که باعث تخریب رواق شرقی شد. البته، در ۲۰ سال اخیر در اثر سیلابی بزرگ، مسیر رودخانه به ۲۰۰ متری بنا تغییر مکان یافته است.

۳. عوامل انسانی

تخریبهایی که حفاران غیر مجاز برای به دست آوردن اشیای عتیقه بر دیوارها، ستونها، پی مسجد، سقف و اطراف بنا ایجاد کرده‌اند، یکی از عوامل انسانی تخریب مسجد اسپه مزگت به شمار می‌رود.

عامل تخریب دیگری که خسارات جبران ناپذیری به فرهنگ و آثار این منطقه زد، شرکت کاغذ سازی تالش است. این شرکت در حدود ۳۰ یا ۴۰ سال پیش، تصمیم گرفت برای بهره برداری از چوب منطقه صنوبر و کاج بکار. این امر موجب شد که همه سطح منطقه - بجز یک قسمت کمی از مسجد -